

فرهنگ پهلوی

(واژه نامه پهلوی - یازند)

www.ketab.ir

سعید عریان



تهران - ۱۴۰۲



- سرشناسه : عریان، سعید، ۱۳۲۹ -
عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ بهلوی : واژه‌نامه بهلوی بازند/ پژوهش سعید عریان.
مشخصات نشر : تهران: نشر برسم، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری : ۷۶۰ص.
شابک : 978-622-7138-58-0
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : چاپ قبلی: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲ (هفتاد و شیش، ۶۸۳ ص.).
عنوان دیگر : واژه‌نامه بهلوی بازند.
موضوع : زبان بهلوی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی
موضوع : Pahlavi language -- Dictionaries -- Persian
رده بندی کنگره : PIRT۰۹۵
رده بندی دیویی : ۴۹۰/۰۷۳
شماره کتابشناسی ملی : ۹۵۵۳۰۲۸

www.ketab.ir

فرهنگ پهلوی (واژه نامه پهلوی - یازند)

- تألیف: سعید عربان
- ناشر: نشر برسم
- حروف چینی و ویراستاری: مریم حاتمی
- آماده سازی فایل: علیرضا حاتمی کیا
- چاپ نخست: بهار ۱۴۰۳
- تیراژ: ۳۰۰ نسخه

برسم

نشر برسم

دفتر: تهران، میدان رسالت، خیابان هنگام، خیابان قزوینی
پلاک ۶۶، طبقه اول

تلفن: ۷۷۲۰۷۰۹۴ همراه: ۰۹۱۹۳۳۹۰۳۳۴

کلیه حقوق و امتیازات کتاب محفوظ است.

ISBN: 9786227138580



9 786227 138580

barsam_publishing

dinazdehnadi@yahoo.com

09193390334

فهرست مطالب

پیشگفت.....	یازده
مقدمه.....	پانزده
متن فرهنگ پهلوی.....	۱-۵۶۲
در اول.....	۱
در دوم.....	۱۹
در سوم.....	۳۷
در چهارم.....	۴۵
در پنجم.....	۶۷
در ششم.....	۷۹
در هفتم.....	۸۷
در هشتم.....	۱۰۷
در نهم.....	۱۱۷
در دهم.....	۱۲۷
در یازدهم.....	۱۵۹
در دوازدهم.....	۱۷۷
در سیزدهم.....	۱۹۱
در چهاردهم.....	۲۰۷
در پانزدهم.....	۲۱۹
در شانزدهم.....	۲۳۳
در هفدهم.....	۲۴۵
در هجدهم.....	۲۵۳
در نوزدهم.....	۲۸۳
در بیستم.....	۳۱۷
در بیست و یکم.....	۳۵۷
در بیست و دوم.....	۳۹۱
در بیست و سوم.....	۴۰۵
در بیست و چهارم.....	۴۲۵
در بیست و پنجم.....	۴۴۱
در بیست و ششم.....	۴۷۷
در بیست و هفتم.....	۴۸۵

۵۰۱	در بیست و هشتم
۵۲۵	در بیست و نهم
۵۳۹	در سیام
۵۴۵	در سی و یکم
۵۶۳	متن انتقادی
۵۹۱	متن اصلی
۶۳۵	فهرست‌ها

www.ketab.ir

پیشفت

هنگامی که پس از حدود چهار سال کار مداوم روی دستنوشته «فرهنگ پهلوی» سرانجام آن را به عنوان پایان نامه دکتری خود آماده دفاع نمودم، هنگامی که حدوداً شش سال بعد آن را جهت استفاده دانشجویان و پژوهشگران با دشواری فراوان منتشر ساختم* و سرانجام هنگامی که پس از حدوداً پانزده سال پس از انتشار و نایاب شدن آن، در پی تصمیم برای انتشار مجدد، به اندیشه بازنگری پاره‌ای از مطالب افتادم، مَرکز فکر نمی کردم که کار نه حتی به یک بازنگری گسترده که به یک دگرگونی اساسی در نگرش مربوط به «هزوارش» بیانجامد.

مسئله از سال‌های پیش آغاز شد، از زمانی که نگارنده از تحصیل و البته از پذیرش بسیاری از نظریات به اصطلاح علمی فارغ شده و توانست به راحتی و بدون نگرانی از کلاس درس و امتحان بیندیشد. در این هنگامه بود که بسیاری از مسائلی که در آن روزها قطعی، حتمی، بدیهی و بی‌نیاز به بحث و گفتگو به نظر می رسید - که هنوز هم متأسفانه این گونه است - در ذهن نگارنده از بیخ و بن مورد تردید جدی قرار گرفت و او را بر آن داشت که بار دیگر و نه بار دیگر که بارها و بارها به گونه‌ای اساسی به آنها بیندیشد.

این موارد بسیار بوده و هست و اگر بگویم که تقریباً تمام حوزه مطالعات فرهنگ و زبانهای باستانی را در بر می گیرد، بی تردید سخنی به گزاف نگفته‌ام. مواردی در حوزه تاریخ ایران پیش از اسلام، مواردی در مورد کتیبه‌ها به ویژه کتیبه‌های هخامنشی، مواردی در خصوص سکه‌ها و رابطه میان فلز سکه و محل ضربخانه، موارد بسیاری در مورد فرهنگ و معارف ایران باستان از جمله موارد مربوط به ادیان ایرانی پیش از اسلام، مواردی در رابطه با زبانها و خطوط ایرانی به ویژه خط و زبان پهلوی و غیره و غیره و غیره.

* این پژوهش پیش از این در سال ۱۳۷۷ با عنوان «واژه نامه پهلوی - پازند» (فرهنگ پهلوی) منتشر شده است. نظر به اینکه پژوهش حاضر از نظر گستره اطلاعات تخصصی، بهره‌گیری مستقیم از منابع دست اول و معتبر مربوطه و از همه مهمتر دگرگونی نگرش به پدیده هزوارش با اثر قبل متفاوت است از این روی عنوان آن به «فرهنگ پهلوی» که نام اصلی متن است، تغییر یافت.

یکی از این همه موارد در حوزه خط و زبان پدیده‌ای است به نام «هزوارش». نگارنده در هنگام تدوین چاپ نخست پژوهش حاضر و پیش از بازنگری این اثر، نظر رایج در مورد «هزوارش» را پذیرفته بود، نظری که امروزه نیز بدون هیچ گونه اندیشه‌ای به شدت ترویج می‌شود.

اما با گذشت زمان تردید در ماهیت این پدیده پیوسته ژرفتر گردید تا جایی که به استناد دلایل بسیار که به صورت مشروح و مفصل در مقدمه آمده است، واماژه بودن هزوارش‌ها برای نگارنده مسجل شد. بدین ترتیب به استناد دلایل مطروحه نه تنها هزوارش‌ها را باید واژه دخیل به شمار آورد و معما بودن آنها را که در هیچ دوره‌ای و در هیچ زبانی دیده نشده و در زبانهای ایرانی نیز توجیهی ندارد فراموش کرد، بلکه باید از این پس آنها را نه یک پدیده خطی و نوشتاری، که پدیده‌ای زبانی و قابل توجیه محسوب نمود.

نگارنده در این پیشگفت قصد پرداختن به جزئیات را ندارد که علیرغم عادت مألوف، در مقدمه مفصل و مستوفی خود به آنها پرداخته است؛ اما مطلبی که در اینجا گفتنی است این که:

چرا پس از گذشت حداقل پنج دهه از راه‌اندازی این رشته در دانشگاه‌های کشور، هنوز زمان اندیشیدن به مسائل مذکور در بالا فرا نرسیده است؟

چرا هیچگاه به صورت جدی به این امر نیاندیشیده‌ایم که این مجموعه از مطالعات در حال حاضر و با وضع کنونی در پی حل چه مشکلاتی است؟

چرا هنوز سخت در این باوریم که در این رشته و مطالعات مربوطه هیچ مشکل و ابهامی وجود ندارد؟

چرا باور کرده‌ایم که دقایق این رشته را به خوبی می‌دانیم در حالی که هنوز اصول آن برایمان روشن نیست؟

چرا هرگز به این امر نیاندیشیده‌ایم که از آغاز شکل‌گیری این رشته از مطالعات در دانشگاه‌های این مرز و بوم پیوسته چند صفحه از هر متنی را به عنوان تدریس تکرار کرده‌ایم و هنوز دیده می‌شود که دانشجوی این رشته به عنوان رساله کارشناسی ارشد به طور مثال به بررسی ساخت فعل در یکی از یشت‌ها می‌پردازد؟

چرا فراموش کرده‌ایم که نام این رشته "فرهنگ و زبان‌های باستانی" است و این به آن معناست که فراگیری زبان‌های باستانی وسیله بررسی فرهنگ و حل دشواری‌های آن است و بدون ورود جدی به فرهنگ، پرداختن به زبان‌ها تنها فرایندی بی هدف و تکراری است.

چرا در بررسی زبان‌ها، هنوز بخش بیشین کوشش خود را برای بیان مشتی اطلاعات تکراری و قدیمی صرفی آنهم نه به صورت نظام‌مند بلکه به گونه‌ای جسته گریخته هزینه کرده و نه به نحو آنها می‌پردازیم و نه به ساختمان معنایی آنها؟

بهر حال چون نگارنده نیاز سویی دلباخته، شیدا و سرگشته این رشته است و از سویی دیگر تمام مشکلات برشمرده و برنشمرده را با تمام وجود تجربه کرده است، در این مقال تنها در پی آن بود که قدری درد دل کند و بس؛ از همین روی امید دارد که با تجدید نظر در پژوهش حاضر توانسته باشد مشکلی را حل کند. این تجدید نظر عموماً در پاره‌ای از مداخل‌ها روی داده است که در چاپ نخست دارای قرائت و وجه اشتقاقی درست نبوده است. هر یک از این موارد در جای خود مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

سعید عریان

تهران ۱۴۰۲/۹/۲۵